خبر

نمایش آنلاین ۶ انیمیشن در هفته کتاب

همزمان با هفته کتاب و کتابخوانی شش اثر از تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به‌صورت آنلاین نمایش داده می‌شود. سه انیمیشن و سه فیلم‌تئاتر که اقتباسی از کتاب‌های منتشر شده از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است، در ایام هفته کتاب به صورت آنلاین به نمایش گذاشته می‌شوند. انیمیشن‌هایی که در این طرح نمایش داده می‌شوند، عبارتند از «کشاورز و خروس» به کارگردانی پروین تجوید بر اساس کتابی با همین عنوان نوشته منوچهرکریم‌زاده، «آواز شب» به کارگردانی معین صمدی و اقتباس از کتابی با عنوان «زیباترین آواز» به نویسندگی شکوفه تقی و «ماه بود و روباه» به کارگردانی بابک نظری و اقتباس از کتابی با همین نام نوشته آناهیتا تیموریان. در بخش کتاب تئاتر نیز سه اثر با اقتباس و عنوان سه کتاب شامل «کلوچه‌های خدا» به کارگردانی آرش شریف‌زاده و اقتباس از کتابی با همین نام به نویسندگی کلر ژوبرت، «پیرمرد و ببر» به کارگردانی حسن دادشکر و کتابی با همین نام به نویسندگی علی خاکبازان، «خداحافظ راکون پیر» به کارگردانی فهیمه میرزاحسینی و اقتباس از کتابی با همین عنوان نوشته کلر ژوبرت اکران خواهدشد. علاقه‌مندان برای دیدن این آثار می‌توانند از روز ۲۱ تا ۲۷ آبان ۱۴۰۱ همزمان با هفته کتاب به نشانی cinema.kpf.ir/film مراجعه کنند.

درنگ

شبکه آشکار اغتشاش

صدور مجوزهای فله‌ای برای ساخت سریال‌های شبکه نمایش خانگی، در یکماهه آخر وزارت ارشاد دولت روحانی تبعات و تاثیرات منفی فراوانی بر بازار این حوزه و خروجی‌های آن گذاشته است. بسیاری از سریال‌هایی که اخیرا منتشر می‌شود، فقط بر اساس یک طرح یک‌صفحه‌ای موفق به اخذ مجوز شده‌اند که عمده این تولیدات که هم‌اکنون در پلتفرم‌ها منتشر می‌شود، دارای محتواهایی با خط القائات منفی نسبت به جامعه مخاطبان هدف شبکه نمایش خانگی هستند. طبق گزارشی که مشرق منتشر کرده، بازخوانی و تحلیل جزئی هر سریال به صورت مستقل نشان می‌دهد که محتوای هرکدام از این تولیدات چگونه قطعه‌ای از پازل آشوب‌های اخیر در کشور را تکمیل کرده است. این زمینه‌سازی به حدی ملموس است که حتی بسیاری از شعارها و نمادهای اصلی آشوب‌های اخیر منتج از محتواهای ارائه‌شده در شبکه نمایش خانگی است.

با این مقدمه باید در نظر داشت افرادی مانند مصطفی‌تاجزاده و مانوک خدابخشیان (فعال سیاسی درگذشته خارج از کشور) یک انقلاب رنگی صورتی زنانه را شبیه آنچه «مادران روسری سفید» در آرژانتین پایه‌ریزی کردند را پیش‌بینی می‌کردند.

با این پیش‌فرض‌های سیاسی و ادعای مکرر کنشگران سیاسی می‌توان زمینه القای این انقلاب زنانه را در بخش عمده‌ای از سریال‌های شبکه نمایش خانگی جست‌وجو کرد. یکی از این سریال‌ها «شبکه مخفی زنان» است.

سریال هدفگذاری محتوایی خود را با دست‌گذاشتن روی نقاط عطف چندهمسری شخصیت میرزا پیش می‌برد تا رویکردهای محتوایی و اهداف القایی‌اش را به حاشیه نمایش ببرد، اما از پایان قسمت چهارم هدفگذاری خود را با صراحت بیشتری با مخاطبانش در میان می‌گذارد. در پایان قسمت چهارم سریال، نخستین جلسه ثبت‌نام و عضوگیری از زنان با حضور میرزا و دلبرجان (لیلاحاتمی) برگزار می‌شود. میرزا در حالی که یک کراوات صورتی بر تن دارد وارد حیاط برگزاری محل جلسه می‌شود. در پشت او یک تابلوی صورتی قرار دارد که در نماهای نخست به خوبی دیده نمی‌شود اما با ورود سیامک انصاری شعار تابلو در بالای دو مشت گره‌کرده عیان می‌شود. شعار تابلو این است: زن، قدرت، شکوه.

سایر اشارات و خطوط القایی سریال هم بسیار قابل توجه است. میرزا و دلبرجان (انسیه) برای پذیرفتن زنان در این باشگاه بازنی با عنوان «مجهول خفته» گفت‌وگو می‌کنند. مجهول که نامش بسیار استعاری و تمثیلی است، می‌گوید: در محله مازنان همگی کچل هستند. ما می‌توانیم به عنوان انجمن زنان کچل به باشگاه شما اضافه شویم. او در ادامه می‌گوید: موهایمان را گرفته‌اند و می‌فروشند، انگار پول خوبی در آن است. در این سریالی که جنبش اعتراضی زنانه در افکار عمومی را تبیین کند به صورت کامل در فصل‌بندی‌های مشخص به نشانه‌های یک انقلاب (آشوب) زنانه اشاره می‌شود. هدف سریال انگشت‌نهادن روی مساله‌ای است که بارها توسط حامیان این جنبش در داخل و خارج مطرح شده و منظور کاملا شفاف است که رفتار جامعه مردسالار با زنان طی قرن‌های اخیر ظالمانه بوده و خیزشی زنانه زمینه رهایی آنان را فراهم می‌کند. مدبرالملک نیز به عنوان نماینده حاکمیت وقت، طرح صنف‌سازی از جمعیت‌های زنانه را به همین بهانه مطرح می‌کند.

در این سریال «مه‌لقا» دختر میرزامحمود با یک تیم تئاتری همکاری دارد و ماموران امنیتی به شدت گروه‌های هنرمند در حوزه تئاتر (نمایش) را کنترل می‌کند.

کیوآرکد را اسکن کنید

به بهانه نامزدی فیلم «عنکبوت‌مقدس» در جوایز فیلم اروپایی

آخرین تلاش‌های مافیایی برای فیلمی آماتور

سعید مستغاثی
مستندساز و کارشناس سینما
فرهنگ

وقتی سکانس‌هایی از فیلم «عنکبوت‌مقدس» انتشار یافت در کمال حیرت شاهد بودیم که در یک زمان کوتاه ۴۵ ثانیه‌ای از این سکانس‌ها (که گویا خبرنگار صفحه حوادث یک روزنامه با دبیر سرویس جنایی آن در حال جر و بحث است) چگونه با آماتوری‌ترین وجه، چندین گاف درشت کارگردانی و تدوین، توی چشم می‌زد که هریک از آنها ولو در یک فیلم کوتاه و تجربی، آن را حتی از یک جشنواره فیلم دانش‌آموزی نیز حذف می‌کرد. همان زمان به‌طور جدی این سؤال اساسی برای اهل سینما به‌وجودآمد که چگونه چنین اثر درهم‌ریخته و شلخته و بی‌درو‌پیکری در بخش مسابقه جشنواره کن پذیرفته شده است؟!

البته این پرسش افزون بر محتوای ایدئولوژیک و ضد ایرانی/ اسلامی اثر یادشده بود.

گرچه بارها رانت‌بازی‌ها و بی‌عدالتی‌ها و حق‌کشی‌های همین جشنواره کن در موارد متعدد ذکر شده اما همه این هنرکشی‌ها و حق‌خوری‌ها هیچ‌کدام به اندازه حضور پدیده‌ای به نام عنکبوت‌مقدس در آن جشنواره فاجعه‌بار نبود.

نمره صفر در کارگردانی

یکی از اولین دروس برای دوستان و کارگردانان جوانی که به‌تازگی دست به دوربین شده و در کلاس‌های دانشکده یا آموزشگاه‌های آزاد هنری، «سینما» تحصیل می‌کنند، آن است که حتما موقع کارگردانی، راکورد صحنه‌ها را حفظ کنند. یعنی به‌دلیل آن‌که معمولا پلان یا نماهای متوالی یک سکانس، به دنبال هم فیلمبرداری نشده و در گرفتن آنها به‌اصطلاح رج‌زده می‌شود، یادداشت‌هایی ثبت می‌شود که در آنها کلیه جزئیات صحنه و لباس و حالت مو و چهره و حرکت بازیگران در هر پلان درج شود (در پروژه‌های حرفه‌ای این وظیفه برعهده منشی صحنه است) که وقتی پلان بعدی آن در زمان دیگری گرفته شد، همه آن موارد در نظر آورده و به‌اصطلاح راکورد صحنه‌ها حفظ شود. مثلا این‌که در پلان قبلی عکسی پشت سر بازیگر قرار داشته یا بخشی از موهای او روی پیشانی‌اش ریخته یا یقه پیراهنش برگشته بوده یا خودکار در دست داشته و... به‌طور دقیق درج می‌شود تا همه این نکات در پلان بعدی لحاظ شده و به‌اصطلاح تداوم نماها حفظ شود. اما در همان ۴۵ - ۴۰ ثانیه مورد بحث در فیلم عنکبوت‌مقدس، بارها راکورد صحنه‌ها به‌هم‌خورده؛ مثلا در یک نما، دبیر بخش جنایی نشریه مذکور پیراهن آستین‌بلند پوشیده و در نمای بعدی، ناگهان آستین پیراهنش کوتاه شده و در پلان بعدی دوباره آستینش بلند می‌شود! در یک نما، پشت سرش پرچم قرار دارد و در نمای بعد پرچم غیب شده! در یک پلان کنار آن پرچم، قاب عکس و وسایلی دیده می‌شود که آنها هم در نمای بعدی ناگهان غیب شده‌اند! یعنی واقعا در این صحنه که کارگردان تعطیل بوده! یک منشی صحنه هم حضور نداشته که با یادداشت شرح صحنه، راکورد دو پلان متوالی از آن را حفظ کند؟! اگر بوده که واقعا باید در مراسم اسکار امسال به بهانه معرفی این فیلم درب‌داغان از سوی دانمارک (با عرض پوزش از فیلمسازان برجسته تاریخ سینمای دانمارک همچون کارل تئودور درایر و حتی سینماگر موخر و دیوانه‌ای مانند لارس فن تریر) یک جایزه هم برای منشیان صحنه در نظر گرفته و اسکار «پرت‌ترین» منشی صحنه را به همین فیلم اعطا کنند!

حالا فرض می‌گیریم که کارگردان و منشی‌صحنه در صحنه‌های فوق خارج از سرویس بوده‌اند! پرسش مهم‌تر این‌که حتی تدوینگر فیلم هم موضوع به‌هم‌خوردن راکورد صحنه را نفهمیده و سعی در رفع و رجوع‌شان نداشته؟!

خاموش‌کردن اتومبیل در ابتدای امتحان رانندگی!

یکی دیگر از دروس کارگردانی، موضوع «خط فرضی» است که به‌طور مجازی و ذهنی میان دو بازیگر یا سوژه‌های صحنه ترسیم شده و همواره دوربین موقع برداشت تصویرهای جداگانه از سوژه‌ها یا بازیگرها، باید در یک سمت این خط فرضی قرار گیرد و نباید بدون دلیل دراماتیک از آن عبور کند که این خطای نابخشودنی در کارگردانی را اصطلاحا «شکستن خط فرضی» نامیده و یک کارآموز کارگردانی که چنین خبطی از او سر بزند، مانند یک داوطلب دریافت گواهینامه رانندگی می‌شود که در زمان امتحان شهر، وارد خیابان ورودممنوع شود یا چراغ‌قرمز راهنمایی را رد کرده یا در زمان اولین حرکت، اتومبیلش خاموش شود!

اما در همان ۴۵ - ۴۰ ثانیه‌ای که خانم خبرنگار در حال بحث با همان دبیرسرویس آستین متحرک بود! از زمانی که روی صندلی نشست، ناگهان و بدون دلیل با شکستن خط فرضی مواجه شدیم (به این معنا که به‌جای جهت نگاه متضاد دو کاراکتر در دو نمای جداسازی به مثابه نگاه به یکدیگر، هر دو کاراکتر به یک سو نگاه می‌کردند!) یعنی متوجه نمی‌شدیم که کی با کی حرف می‌زند! انگار هرکدام از کاراکترها مشغول جر و بحث با دیوار بودند!

بازهم حتی اگر کارگردان سربه‌هوای فیلم حالی‌اش نبوده (عذرخواهی از کاربرد این کلمات) پس آن تدوینگر نافهم چه می‌کرده که متوجه نشده جهت نگاه‌ها تطابق نداشته و به‌اصطلاح خط فرضی شکسته شده است؟!

دلقک‌بازی به‌جای کارگردانی

البته دلقک‌بازی‌های کارگردان فیلم در جشنواره فیلم هامبورگ نشان داد که اساسا تخصص وی و همکارانش نه در سینما و کارگردانی فیلم، بلکه در شامورتی‌بازی و جای دوست و دشمن نشان‌دادن است! که شاید از همین روی با شکل و شمایل عروسک خیمه‌شب‌بازی، در قالب سازنده اثر معرفی شد!

جشنواره فیلم کن علی‌رغم تمامی پارتی‌بازی‌های ایدئولوژیک و سیاسی برای فیلم عنکبوت‌مقدس نتواست در رشته‌های اصلی مثل فیلم، کارگردانی، فیلمنامه یا حتی جایزه ویژه و جایزه بزرگ، آن را بالا ببرد، چون فاجعه ساختاری فیلم بیش از آنچه به نظر می‌رسید، توی ذوق می‌زد و دم خروس سیاسی‌بازی جشنواره بیشتر بیرون می‌افتاد!

اما به نظرم حکایت نامزدی این فیلم شبه‌آماتوری در چهار رشته اصلی جوایز فیلم اروپا به‌خصوص برای بهترین فیلم و کارگردانی و فیلمنامه، احتمالا اعصاب همه کاربران توهم توطئه را نیز به‌هم بریزد. اینجا فاجعه از قضیه اسکارهای فیلم «آرگو» هم مصیبت‌بارتر است. چون در آن فیلم به‌رغم همه نقاط ضعف ساختاری، از چنین گاف‌های وحشتناک آماتوری خبری نبود.

مراسم جوایز فیلم اروپایی در مقابل هالیوود

مراسم جوایز فیلم اروپایی زیر نظر آکادمی فیلم اروپا در سال ۱۹۸۸ توسط برخی از سینماگران معتبر اروپایی همچون اینگمار برگمان برای معرفی آثار سینمایی هنری و مستقل برپا شد که برخلاف برگزیدگان اسکار، قرار بود ایدئولوژیک و تجاری نباشند و در اولین دوره آن در همان سال ۱۹۸۸ آثاری مانند «فیلمی برای کشتن» کریستف کیشلوفسکی، «خداحافظ بچه‌ها» لوبی‌مال، «پله فاتح» بیل آگوست و «زیر آسمان برلین» ویم‌وندرس، جوایز را بردند.

در سال‌های بعد نیز فیلم‌هایی قابل تاملی همچون «چشم‌اندازی در مه» تئو آنجلو پولوس، «زندگی و دیگر هیچ» برتران تاورنیه، «موج نو» ژان لوک‌گدار و .... جایزه‌های فیلم اروپایی را به خود اختصاص دادند.

اما از سال‌های ۱۹۹۳ به‌تدریج و به بهانه آثاری از سینمای انگلیس که در واقع از سینماگران هالیوودی انگلیسی‌تبار ناشی می‌شدند، پای فیلم‌های ایدئولوژیک و اسکاری به صحنه جوایز اروپایی هم باز شد. فیلمسازانی همچون جیم شریدان با فیلم «به نام پدر» یا فیلم‌هایی مثل «رازها و دروغ‌ها» مایک لی و «بازی گریان» نیل جوردن.

تا این‌که در مراسم سال ۱۹۹۷ این جوایز، فیلم‌های «بیمار انگلیسی» (برنده ۹ جایزه اسکار) ساخته آنتونی مینگلا، «عنصر پنجم» لوک بسون و «فول مانتی» پیترکاتانئو فقط به‌دلیل تبار اروپایی فیلمسازانش فارغ از هالیوودی بودن‌شان به این مراسم آمده و جوایز اصلی را دریافت کردند.

در همان سال ۱۹۹۷، رویداد دیگری به نام جایزه بین‌الملل نیز به جوایز فیلم اروپایی اضافه شد که به‌طور رسمی پای فیلم‌های آمریکایی، هالیوودی و اسکاری را به این مراسم باز کرد و طرفه آن‌که برخلاف عنوان این بخش که باید آثار تولیدی کشورهای سایر قاره‌های جهان را در بربگیرد اما اغلب، شامل فیلم‌های آمریکایی می‌شود. چنانچه در اولین دوره‌اش، فیلم‌های «دانی براسکو» مایک نیوئل، «جری مک گوایر» کامرون کرو، «همه می‌گویند دوستت دارم» وودی آلن و «رومئو و ژولیت» بازلورمان، وارد معرکه شدند و «مردم علیه لری فلینت» میلوش فورمن نیز جایزه گرفت.

تحقیر جوایز اروپایی توسط اراذل و اوباش هالیوودی

در سال‌های بعد چنان خیل فیلم‌های ایدئولوژیک هالیوودی به مراسم جوایز فیلم اروپایی سرازیر شدند که اساسا فراموش شد آکادمی فیلم اروپا و جوایز آن برای چه مقصد و مقصودی برپا شده‌اند. از فیلم‌های تبلیغاتی و پروپاگاندا مانند «نجات سرجوخه رایان» استیون اسپیلبرگ و «مردی با نقاب آهنین» رندال والاس گرفته تا «تایتانیک» جیمز کامرون و «نقاب زورو» مارتین کمپبل و ... در بخش‌های مختلف این مراسم حضور یافتند تا کارتون «فرار جوجه‌ای» دریم ورکس و قصه نخ‌نما شده «گلادیاتور» توسط ریدلی اسکات و راستی‌آزمایی سیستم آمریکایی در «گزارش اقلیت» اسپیلبرگ و پال گرین گرس تبلیغات‌چی، تا کیت وینسلت که جایزه بهترین بازیگر زن اروپایی را دریافت کرد.

«بیل را بکش» کوئنتین تارانتینو و «میستیک ریور» کلینت ایستوود و اورلاندو بلوم برای بازی در فیلم «قلمرو بهشت» ریدلی اسکات به عنوان بهترین بازیگر مرد اروپایی و «میلیونر زاغه‌نشین» دنی بویل (برنده ۸ جایزه اسکار) و «دختری با خالکوبی اژدها» دیوید فینچر و «آرتیست» (برنده ۵ جایزه اسکار) و «سخنرانی پادشاه» (برنده ۴ جایزه اسکار) و «جانوران فانتزی» دیوید یاتس به‌عنوان پیش درآمد مجموعه هری پاتر و «محبوب» یورگن لانتیموس نیز در دوره‌های مختلف این مراسم، جوایز متعددی را بردند.

کار به جایی رسید که از تبلیغاتی‌ترین و کلیشه‌ای‌ترین فیلم‌های آمریکایی و کاراکترهای آن تقدیر شد از جمله دو بار از شان کانری، بازیگر جیمزباند معروف هالیوود تجلیل کرده و کاترین زیتا جونز را برای بازی در فیلم تکراری «دام افکنی» مورد تقدیر قرار دادند.

یکی از تحقیرآمیزترین دوران جوایز فیلم اروپایی زمانی بود که اراذل و اوباش هالیوودی هم وارد گود شدند؛ جیسون استتام با «ترانسپورتر۳» آمد و پیرس برازنان (یکی از بدترین جیمزباندهای تاریخ سینما) به همراه «فردا هرگز نمی‌میرد» از راجر اسپاتز وود همچنین دنیل کریگ و اسپکتر (یکی از بدترین فیلم‌های جیمزباند) مورد تجلیل قرار گرفتند و به این شکل زره‌پوش سواری اوباشی همچون سیلوستر استالونه، آرنولد شوارتزنگر، بروس ویلیس، میکی رورک و .... در جشنواره کن و به‌مناسبت حضور در فیلم «بی‌مصرف‌ها» تداعی شدند.

مراسم جوایز فیلم اروپایی در حلقه اسکار

در یک دهه اخیر جوایز فیلم اروپایی در حلقه فصل جوایز یا Season Awards به عنوان یکی از ایدئولوژیک‌ترین مجموعه مراسم اهدای جوایز هر سال، قرار گرفته است. مجموعه‌ای که در واقع به قول خود آمریکایی‌ها، جاده‌ای به اسکار محسوب شده و جوایز هر سال خود را براساس یک تم یا درونمایه خاص تعیین کرده که آن تم یا درونمایه نیز از سوی مراکز استراتژیک و تینک تانک‌های آمریکایی ارائه می‌شود. تمی که هر سال براساس چالش‌های ایدئولوژیک، سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی غرب توسط حاکمان هالیوود که در واقع همان سرمایه‌داران، مالکان بانک‌ها، صاحبان مراکز اقتصادی، کارخانه‌های تسلیحاتی، نظامی و اقمار آکادمیک آنها و همچنین مدیران مراکز استراتژیک سیاسی هستند، تعیین می‌شود.

اما نکته مهم این است در این مجموعه فصل جوایز که هنر و سینما همواره کمترین نقش را داشته و عناصر و درونمایه ایدئولوژیک حرف اول را زده و می‌زند، وقتی برخلاف اصول واضح انسانی و مفاهیم مسلم آزادی می‌خواهند به اعتقادات صدها میلیون مسلمان و آزاده در جهان توهین کنند ولی اثری آماتوری و ضد سینمایی را روانه میدان کرده‌اند، در واقع نشان داده‌اند که کفگیر سینمای ایدئولوژیک‌شان، بدجور به ته دیگ خورده که ناگزیر باید به دلقکان و شامورتی بازان متوسل شوند.

بزش

زادروز

زیر پوست جامعه

علی رستگار: ۴۰ سال پیش قصه سلطانی پریشان‌احوال و جابه‌جایی‌اش با شبانی ظاهرا نگونبخت، تماشاگران بسیاری را پای تلویزیون و سریال «افسانه سلطان و شبان» نشاند. سلطان‌بانوی آن اثر درخشان با پشتوانه بازی در تئاتر و گروه «پیاده» در ادامه مسیر بازیگری‌اش از نقش‌های برج عاج‌نشین، سلطنتی و درباری فاصله گرفت و با درخشش در نقش زنان رنج‌کشیده و از طبقه فرودست مثل قدرت (کبوتر) در «روسری آبی»، «طوبی» در «زیر پوست شهر» و مادر در «مهمان مامان» طرف مردم ایستاد و زندگی آنها را نمایندگی کرد. گلاب آدینه درحالی امروز ۶۹ ساله شده که همچنان به حضور مؤثر و تاثیرگذارش در عرصه هنرهای نمایشی ادامه می‌دهد. در تقدیری غریب این بار هم پای سلطانی پریشان احوال در میان است و آدینه این شب‌ها با کارگردانی نمایش «پرده‌خانه» نوشته بهرام بیضایی از علاقه‌مندان میزبانی می‌کند و از مردم برای مردم می‌گوید.

رویداد

هم‌اندیشی هنرمندان سینما با کمیسیون فرهنگی مجلس

نشست هم‌اندیشی هنرمندان سینما و اصحاب فرهنگ با مسئولان کمیسیون فرهنگی مجلس به میزبانی سازمان بسیج هنرمندان کشور، برگزار شد.

در این نشست که ۱۶ آبان در مجموعه فرهنگی تفریحی نیاوران برگزار شد، هنرمندان نکات و دغدغه‌های خود را در عرصه‌های مختلف فرهنگی، حقوقی، معیشتی و... با مسئولان کمیسیون فرهنگی مجلس مطرح کردند و خواستار تقویت و اصلاح قوانین نظارت بر تولیدات نمایشی شدند. آنها همچنین عنوان کردند: هنرمندان هم تاثیرگذار هستند و هم تاثیرپذیر؛ لذا حمایت از هنرمندان وطنی و وجود یک نظارت و ممیزی خاص در حوزه قوانین از اهمیتی بالا در ارائه تولیدات باکیفیت و متناسب با شئونات و ارزش‌ها برخوردار است. ایشان همچنین فاصله میان پیشکسوتان هنرمند و نسل جوان را موجب عقبگرد فرهنگی دانسته و خواستار حذف این فاصله شدند. پس از بیان پیشنهادها و مطالبات هنرمندان، دکتر غلامرضا منتظری، نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس ضمن قدردانی از سازمان بسیج هنرمندان در برپایی این نشست، خواستار برقراری ارتباط مستمر هنرمندان با مجلس شده و مطالبات بحق هنرمندان و پیشکسوتان سینما را در دستور پیگیری قرار داد.

جشنواره

سینمای ایران بدون جایزه از آسیاپاسیفیک

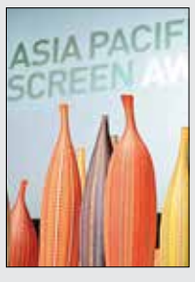

پانزدهمین دوره جوایز سینمایی آسیاپاسیفیک برندگان خود را در شاخه‌های مختلف معرفی کرد و سینمای ایران، موفق به کسب جایزه‌ای نشد. در این دوره از جوایز سالانه آسیاپاسیفیک، فیلم «قبل، حالا و سپس» ساخته کاملیا آندینی از کشور اندونزی در نهایت جایزه بهترین فیلم را به خود اختصاص داد و دیدی چو هم برای فیلم «بازگشت به سئول» بهترین کارگردان نام گرفت. همچنین جایزه بهترین بازیگر (مرد و زن) جوایز آسیاپاسیفیک ۲۰۲۲ به لی جئونگ-یون برای فیلم «ادای احترام» رسید و مقبول مبارک هم برای فیلم «اتوبیوگرافی» برنده جایزه بهترین فیلمنامه شد. در پانزدهمین دوره جوایز سینمایی آسیاپاسیفیک، فیلم «شب، داخلی، دیوار» ساخته وحید جلیلوند در دو شاخه بهترین فیلمنامه و بهترین بازیگر مرد (نوید محمدزاده) نامزد کسب جایزه بود و مستند «دختران نجار-دونوازی برای یک رویا» ساخته آزاده بیزارگیتی هم در بخش بهترین مستند بلند، نامزد شده بود.